

دادگاه کیفری بین المللی

The International Criminal Court

Cour pénale internationale

(ICC ICC)

از آنجا که مسئله درخواست تعقیب علی خامنه ای به جرم جنایت علیه بشریت از سوی اعلیحضرت رضا شاه دوم از سازمان ملل و شورای امنیت مطرح است و برخی بدون آشنایی کامل به اصول قانونی و حقوقی دادگاه کیفری بین المللی پشتیبانی ها و اظهاراتی کرده اند که نادرست و غیر اصولی است بر آن شدم تا پژوهشی در باره دادگاه کیفری بین المللی را جهت آگاهی مردم ایران تدارک ببینم.

زیرا آگاهی قدرت است، و آگاهی درست و تشخیص نادرست ما را از گمراهی برحذر می دارد.

دادگاهی که به نام های پارسی، فرانسه و انگلیسی و بصورت خلاصه شده در عنوان این پژوهش آمده است سازمان حقوقی است که تشکیل شده تا به جرم افراد که علیه بشریت مرتکب شده اند رسیدگی کند. به جنایت ها و تجاوز ها و خشونت هایی که علیه بشریت رخ می دهد رسیدگی کند.

این دادگاه در حال حاضر طبق اساسنامه ای که دارد قدرت اجرایی و رسیدگی ندارد، زیرا تا بحال نتوانسته اند تعریف جامعی از «جنایت علیه بشریت» ارائه دهند. تا تعیین تعریف جامعی از «جنایت علیه بشریت» قدرت اجرایی آن تا از سال ۲۰۱۷ بتأخیر افتاده است، لذا هرگونه رسیدگی به «جرم جنایت علیه بشریت» موجه نبوده و نمی تواند در قالب حقوقی که مبنای تشکیل چنین دیوانی باشد مورد رسیدگی قرار گیرد. چه بسا که نتوانند تا سال ۲۰۱۷ به این تعریف دست یابند و باز هم بتأخیر افتد.

فکر تشکیل یک چنین دادگاهی در روز نخست جولای ۲۰۰۲ بدنبال طرحی که در رم با عنوان «بنیان دادگاه کیفری بین المللی» داده شده بود پیش کشیده شد و وارد عمل گردید. این دادگاه یا سازمان بین المللی طبق اساسنامه اش که در پایین همین پژوهش نصب شده است فقط قادر است به جرایمی رسیدگی کند که در روزتاسیس ویا پس از آن رخ داده است و جرایم رخ داده پیش از آن تاریخ قابلیت رسیدگی در این دادگاه را ندارد.

مرکز این دادگاه لاهه (هلند) تعیین شده است اما پژوهش ها و رسیدگی ها در همه جا قابل تعقیب است.

لازم است یادآوری شود که بنیان این دادگاه بر یک پیمان (توافقتنامه یا معاهده) **treaty** استوار است و بنابراین تعریف کوتاهی در باره توافقنامه در اینجا لازم می آید تا تفاوت هایی که ممکن است موجب اشتباه شود در نظر گرفته شود.

تعریف پیمان نامه

پیمان نامه توافق یا یک سری توافق هایی است که در زیر لوای قانون یا قانون های بین المللی برقرار می شود. کشور های امضا کننده می بایست دارای حاکمیت ملی و مستقل باشند و پیمان نامه موارد ضد

قوانین بین المللی و قوانین داخلی کشور های امضا کننده را در بر نگیرد. یک معاهده یا پیمان نامه همچنین می تواند بصورت یک موافقتنامه، پروتوکل، یا تبادل نامه نیز بین دو یا چند کشور به امضا برسد. بدون در نظر گرفتن نام و شیوه نگارش و مفهوم حقوقی هر واژه همه این فرم ها بایستی زیر لوای حقوق بین المللی بگنجد و از آن تجاوز نکند، در آنصورت بصورت مساوی بین موافقت کننده ها، جاری و لازم الاجرا است.

عهدنامه یا پیمان نامه ها می توانند بصورت «قرارداد» هم بحساب بیایند در هر صورت تمایل طرفین را در تعهد به آنچه بین آنها مورد موافقت قرار گرفته است لازم می داند و هرگاه هریک از طرفین از آن تخطی کند می تواند زیر قوانین بین المللی مورد مواخذه و محاکمه قرار گیرد.

حال که با پیمان نامه ها آشنا شدیم برگردیم به تعریف ها و وظایف دیوان کیفری بین المللی.

تا این لحظه ۱۱ ژانویه ۲۰۱۲، یکصد و بیست (۱۲۰) کشور و دولت که در حد پذیرش پیمان نامه بوده اند این پیمان را امضا کرده اند. بسیاری از کشور های آمریکای جنوبی هم جزو امضا کنندگان می باشند.

تقریباً تمام اروپا و تقریباً نیمی از کشور های آفریقایی جزو پذیرنده های این پیمان نامه هستند. برخی از کشور ها امضای خود را منوط به تصویب از سوی پارلمان های متبوعه خود کرده اند. از جمله روسیه پذیرفته ولی هنوز مورد تصویب پارلمان و ارگان های درون کشورش قرار نگرفته است. ساحل عاج تعریف حقوقی آنرا پذیرفته ولی هنوز آنرا بعنوان قانونی به تصویب نرسانده است. اساسنامه پیمان نامه رم در باره تاسیس این دیوان ملزم میکند تا کشور ها توافق خود را بصورت رسمی به شور و تصویب بگذارند و آنرا تاکید و تایید کنند.

سه کشور اسرائیل، سودان و آمریکا (ایالات متحده) قانون موضوعه (اساسنامه) مطرح شده در رم را امضا نکرده اند. قانون تاسیس تاکید دارد که آن کشور ها قصدی ندارند تا جزو این چنین دیوان رسیدگی به جرایم محسوب شوند. بنابراین آن کشور ها قانوناً ملزم به رعایت مواردی که در این پیمان اشاره شده باشند و به امضای پیش نویسی هم که نمایندگان آنها احتمالاً امضا کرده است متعهد نیستند.

۴۲ کشور عضو سازمان ملل نه آنرا امضا کرده اند و نه آنرا تصویب و مورد شور قرار داده اند از جمله آن کشور ها چین، هندوستان، حتا اعتراض هایی نسبت به این چنین دادگاهی دارند. فلسطین، در واقع خود گردانان فلسطینی که حتا در سازمان ملل هم عضویت ندارند بطور ضمنی این پیمان را پذیرفته است ولی روشن نیست این چنین پذیرشی قابلیت پذیرش حقوقی در قوانین بین المللی را داشته باشد.

در سال ۲۰۱۰ دو متمم به اساسنامه موضوع اجلاس رم که برای شوروبررسی در کامپالا اوگاندا تشکیل شده بود اضافه شده است. متمم نخست بکار گیری نوع ویژه ای از تسلیحات را در درگیری هایی که بین المللی نباشند و یا تسلیحاتی که در جنگ های بین المللی هم منع شده اند را شامل می شود. این ماده جدید از ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲ مجری و مورد مصرف خواهد داشت. متمم دوم به جرایم تهاجمی و خشونت آمیزی اشاره دارد که در قالب همان تعریف «جنایت علیه بشریت» قرار میگیرد و تا به امروز از سوی هیچیک از هم پیمانان بر سر تعریف جامع توافقی صورت نگرفته و لذا مورد تصویب قرار نگرفته زیرا پس از رای گیری این امر به روز های نخست ژانویه ۲۰۱۷ موکول شده است. تا زمانی که تعریف جامعی برای «جنایت علیه بشریت» ارائه نشود این دادگاه (دیوان) قادر به رسیدگی به موارد حقوقی در این مورد نخواهد بود و هر نوع مراجعه به آن می تواند به تعبیر دیگری از سوی

شورای امنیت سازمان ملل موردی همانند لیبی را فراهم کند و منجر به بمباران کشور از سوی ناتو بشود.

این دادگاه (دیوان کیفری) به جرایمی می تواند رسیدگی کند که کشورفردی که مورد موضوع است عضویت کامل در این پیمان نامه را پذیرفته و تصویب کرده باشد، جرم در سرزمین آن کشور رخ داده باشد، و یا موضوعی که به آن اشاره می شود در قالب تعریف های حقوقی مندرج در اساسنامه باشد و یا از سوی شورای امنیت سازمان ملل به دادگاه احاله شده باشد.

لازم به یاد آوری است که یک چنین درخواستی از دادگاه و یا سازمان های بین المللی فقط در صورتی قابل ارائه به محدوده اختیارات این دادگاه است که موضوع در دادگاه های صالحه کشور متبوع به نتیجه نرسیده و یا دادگاه های کشور متبوع از رسیدگی به یک چنین مورد حقوقی سر باز زنند یا قادر به رسیدگی نباشند یک چنین جرمی را مورد رسیدگی قرار دهند. از نظر حقوقی، درخواست هر امری از دادگاه کیفری بین المللی که بهر حال یک دادگاه با دادستان ها و وکلای بیگانه است یک امر خیانتکارانه و اقرار به «پفیوزی» و عدم لیاقت است.

در تعریف «حاکمیت ملی» و «استقلال» کشورها و «استقلال دادگستری هر کشور» مسلم و روشن است که نخستین وظیفه و مسئولیت رسیدگی به جرائم فردی فقط و فقط به کشور متبوع آن فرد محول شده است و ارجاع چنین امری به دادگاهی غیر از دادگاه های ملی پشت کردن به تمامیت ارضی، استقلال و استقلال قوه قضاییه و درخواست دخالت کشور های بیگانه در امور داخلی کشور محسوب می شود. نه تعریف دیگری دارد و نه می توان هر تعریف «سرهمبندی شده» را پذیرفت. تعریف حاکمیت ملی و «استقلال» کاملاً روشن و اظهر من الشمس است.

این مطلبی است که در بیشتر مراتبی که در باره دادگاه کیفری بین المللی می خوانیم تلویحا اشاره شده و نظر شخصی نگارنده بحساب نمی آید که بتوان به آن ایراد گرفت.

تا به امروز هفت مورد در آفریقا که شامل جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا می شود برای رسیدگی به این دادگاه ارجاع شده است. به شکایاتی در آفریقای مرکزی، دارفور سودان و مورد کنیا و جمهوری عربی لیبی، و مورد ساحل عاج باوجود اینکه عضویت در پیمان را نپذیرفته رسیدگی کرده است.

از این هفت مورد سه مورد (اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو، و جمهوری آفریقای مرکزی) از سوی کشور های عضو و دو مورد از سوی شورای امنیت سازمان ملل (دارفور و لیبی) و دو مورد دیگر (کنیا و ساحل عاج) در مرحله مقدماتی رسیدگی قرار گرفته است.

تابحال در ۲۷ مورد بطور همگانی رسیدگی هایی ارائه شده و ۲۳ مورد در مورد افراد در حال بررسی است و در مورد ۱۸ نفر حکم جلب (دستگیری) صادر شده است که نه تن از آن حکم جلب را دریافت کرده اند. پنج نفر (مورد) در توقیف بسر می برند که مشغول رسیدگی به جرایم آنها هستند و هشت نفر دیگر فراری و غیرقابل دسترسی بوده اند. ظاهراً یکی از این هشت تن مرده است. علاوه بر اینها دوفرد دیگر از سوی مقامات ملی کشور متبوع آن اشخاص دستگیر شده اند ولی هنوز به دادگاه بین المللی تحویل نشده اند. (!*) [این از موارد «پفیوزی» کشورها محسوب می شود] مقامات کشور متبوع آن افراد، هوشیار شده و دریک عمل ملی اعلام کرده اند علاقمند هستند آن اشخاص را خودشان محاکمه کنند... رسیدگی به جرم چهار نفر هم بدنبال مرگ دوتن از آنان و غیرمشروع بودن شکایت و غیرقانونی بودن جرمی که به آنها نسبت داده شده از دادگاه سلب مسئولیت شده است.

در دسامبر سال ۲۰۱۱ شکایت علیه یک تبعه جمهوری دموکراتیک کنگو بنام توماس لوبانگا، پایان رسید ولی اجرای حکم هنوز معلق است.

در تاریخ ۲۳ دسامبر ۲۰۱۱ موباروشیمانان نخستین شخصی بود که از سوی دادگاه بین المللی آزاد شد.

همانطور که از رسیدگی به جزییات عمل این دادگاه برمی آید جرایم و شکایات ها از سوی کشور هایی صورت گرفته است که به نحوی اسیر و برده نفوذ های بیگانه قرار دارند و مردمش از سواد و آگاهی به حقوق شخصی بی بهره اند و کمتر از یک چهارم مردم کشور دسترسی به آگاهی های بین المللی و حقوق فردی دارند. در واقع می توان گفت در مورد حقوق فردی «بی سواد»، «پفیوز» و نابخرد هستند.

در مورد آن کسانی مثل قذافی که مردمش از جمله کشور های آفریقایی بودند که سواد نسبتا بالاتری داشته اند بصورت نفوذ بیگانه با بهره گیری از مسلح کردن مردم و وارد کردن تسلیحات از مرز ها، و سپس همکاری های ناتو با بمباران های پی در پی او را به فجیع ترین وضعی از بین بردند. این چگونه دادگاهی است که متهم پیش از رسیدن به میز محاکمه در وسط بیابان در زیر چوب و چماق و تجاوز و پاره کردن گوشت بدن به «دادش رسیدگی» می شود؟؟ آیا این دادگاه کیفری بین المللی خود جرمی مشابه جنایت علیه بشریت را مرتکب نشده است؟؟ سازمان ملل و شورای امنیت؛ امنیت یک کشور و احترام به تمامیت ارضی آن کشور را مورد تجاوز قرار نداده است؟ دادگاهی که نتواند جان متهم را تا رسیدگی کامل حفظ کند خود در سطح مجرم جنایی قرار میگیرد.

ماده پنج اساسنامه دادگاه جنایت ها را به چهار گروه تقسیم می کند، و به آنها جرایم جدی لقب می دهد که جامعه بین المللی را در کل به خطر می اندازد.

۱- جرم جنایت علیه بشریت

۲- کشتار دسته جمعی

۳- جنایت های جنگی

۴- جرم هایی که با خشونت و تجاوز همراه است.

هریک از موارد بالا قابل توجیه باشد جرم مربوط به تجاوز با خشونت، و از جمله جنایت علیه بشریت» هنوز تعریف مستقلی ندارد. جنایت و کشتار دسته جمعی یک مورد بسیار ویژه ای است که بایستی ثابت شود متهم با نیت «نابودی» دست به اینکار زده است. جنایت علیه بشریت تنها موقعی قابل بحث هستند که در قالب آن رفتار هایی قرار گیرند که نشان از حمله های سیستماتیک و طراحی شده که ضد مردم عادی و شهروندان کشور بکار گرفته شوند. اساسنامه دادگاه نمی تواند به جرایمی رسیدگی کند که کشور عضو هنوز نمی تواند و نپذیرفته تا این نوع تجاوز و خشونت را در قالب تعریفی ویژه قرار داده باشد. زیرا تا زمانی که جرمی برای دادگاهی تعریف نشده باشد و تعریف کلی حقوقی از جرم نشده باشد نمی توان از دادگاه انتظار گسترانیدن داد را داشت. چیزی قابل تعقیب در دادگاه است که از نظر حقوقی قابل تعریف باشد و در قالب های حقوقی قابل بحث.

در ژوئن سال ۲۰۱۱ دادگاه بین المللی کیفری که برای رسیدگی به امور این دادگاه و تجدید نظر های احتمالی در کامپالا تشکیل شده بود متمم هایی ارائه داد که در بالا به شرح کوتاهی از آنها پرداختیم. برخی از بخش های آن متمم ها بر اساسنامه هنوز قابل بهره برداری نیست مگر تعریف های حقوق شکل قانونی بخود بگیرد و لذا وعده تا سال ۲۰۱۷ هنوز معلق و غیرقابل مصرف است.

بسیاری از دولت‌ها پیشنهاد کرده‌اند تا تروریسم و حمل قاذق مواد مخدر در لیست جرایم مورد رسیدگی دادگاه قرار گیرد. ولی بسیاری از کشورها نتوانسته‌اند تعریف جامعی در باره تروریسم و حمل قاذق ارائه بدهند. اگر یک چنین مواردی نیز از مسئولیت‌های دادگاه بین‌المللی کیفری قرار داده شود همه نوع استقلال قضایی کشور‌های عضو را از آنها سلب و یک دادگاه بیگانه ناظر بر امور داخلی کشورها خواهد شد.

هندوستان در پی آن است تا بهره‌گیری از تسلیحات اتمی و تسلیحات کشتار جمعی، شامل جرایم جنگی شده و از مسئولیت‌های حقوقی دادگاه کیفری بین‌المللی شود. ولی این درخواست با اعتراض مغلوب شده و منتفی شده است. هندوستان تفسیر می‌کند که اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی بهره‌گیری از تسلیحات کشتار جمعی را نوعی خارج از محدوده جنایات جنگی قلمداد میکند و نسبت به آن بی‌توجه است.

برخی از مفسرین بر این عقیده هستند که دادگاه بین‌المللی بیش از اندازه در تعریف‌های جرایم زیاده روی کرده و میدان عمل را گشاد گذاشته است و برخی مثل هندوستان عقیده دیگری دارند. آنچه مسلم است اصل این دادگاه نوعی توهین به بشریت و سلب حقوق اساسی کشورها و استقلال ملل، عضو جامعه جهانی است. بهمین دلیل می‌بینیم کشورهایی مثل آمریکا و اسرائیل از پذیرفتن آن ابا دارند.

وظایف و اختیارات دیوان کیفری بین‌المللی:

دیوان از مرحله تحقیق تا اجرای حکم دارای وظایف و اختیاراتی است. این دادگاه راسا می‌تواند از طریق ارجاع اعضای شورای امنیت سازمان ملل تحقیقات را شروع کند. گردآوری ادله و آگاهی‌های مربوط به جرم و یا جرایم از اسناد دولتی و یا غیردولتی و کمیته‌های فرعی تا بازداشت متهم جزو وظایف دادستان مربوط و دیوان است. ولی نه دادگاه و نه شورای امنیت هیچکدام پلیس و یا ژاندارمری که بتوانی «نقش بازوی اجرایی» را بازی کند را ندارند.

تنها بازوی اجرایی سازمان ملل و شورای امنیت ناتو و نقش ناتو تنها از راه حمله نظامی متمرثر است.

در بسیاری موارد امکان تحقیق در کشوری که شهروند آن مورد اتهام و رسیدگی است امکان ندارد و لذا نمی‌توان اسناد و ادله کافی در اتهام و مجرم شناختن آن فرد رابدست آورد و لذا در بیشتر موارد توهمات و شایعات مد نظر قرار می‌گیرد. همین قضیه می‌تواند ادله‌ای برای رفع اتهام بدست وکیل مدافع بدهد.

وظایف قضایی و اداری دادستان کیفری بین‌المللی در بند ۲ ماده ۴۲ اساسنامه دیوان آمده است. رعایت حقوق فردی اشخاص و متهمان در تمام مراحل دادرسی بایستی مد نظر مقامات دیوان قرار داشته باشد. هرگونه محاکمه‌ای بایستی پس از تحقیقات مقدماتی که مطابق اساسنامه باشد قابل تعقیب تشخیص داده شود. در تعریف‌های حقوقی بگنجد و قانونی باشد.

تنها مکانیزم شروع به رسیدگی در دیوان ارجاع شورای امنیت و تصویب دولت‌های عضو است. به عقیده برخی دیوان کیفری بین‌المللی باید از دادستانی کاملاً مستقل برخوردار باشد تا بتواند به صلاحدید

خود و با استفاده از اطلاعات کافی جمع آوری شده از منابع مختلف دولتی و غیردولتی، منطقه ای و بین المللی متهم را تعقیب کند و صرف شکایت کفایت نمی کند.

از آنجا که ممکن است منافع ملی یا بین المللی دولت های عضو به هر دلیلی خدشه دار شود و یا محذوراتی داشته باشند و مایل نباشند یک دادگاه بیگانه در امور آنها دخالت کند، لذا برای اینکه جلوی دخالت های بیگانه گرفته شود، اکیدا ضروری است ارجاع و درخواست این چنین عمل غیرملی به دیوان کیفری بین المللی که به هرحال دخالت کشور های عضو شورای امنیت را طلب خواهد کرد محول نگردد. گرچه این شکایت لزوما و نوعا علیه مقامات عالیرتبه سیاسی و یا نظامی کشور شاکی و یا شاکیان بوده باشد.

یک چنین خبط تاریخی در مورد یوگسلاوی و رواندا موید این ادعا است که همینکه مورد شکایت به دیوان کیفری بین المللی ارجاع شد صرفا براساس ارجاع شورای امنیت و اهرم های اجرایی سازمان ملل عمل نمود و بدون هرگونه نظارت استصوابی و بدون درنظر گرفتن تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور ها اقدام به اعمالی نمود که ناشی از امیال توسعه طلبانه و امثال آنها بوده است. این امری خطرناک است و خطر عمده آن اعطای اختیارات بدون قید و شرط به کشور هایی است که گردش شورای امنیت را در کنترل دارند (پنج عضو صاحب حق وتو).

وظیفه دادستان و دیوان است پیش از همه چیز مطمئن شود جرمی واقع شده است و متهم منشا اجرای جرم بوده است. اجمالا دادگاه و دادستان بایستی متقاعد بشوند که شکایت جنبه شخصی ندارد. و رسیدگی به جرم در صلاحیت دادگاه است.

شوربختانه در مواردی همانند یوگسلاوی و لیبی چون نظر گردانندگان شورای امنیت سازمان ملل برآن بود تا این کشور ها به حد نابودی و تجزیه برسند بنابراین بدون درنظر گرفتن هرگونه زاری ها و تفسیر ها و شکایت ها و دفاعیه ها راسا اقدام و کار به «ناتو» سپرده شد. در مورد میلوسویچ بدون درنظر گرفتن هرگونه رسیدگی حقوقی و همچنین در مورد قذافی هدف منظور بود نه روند حقوقی محاکمه و در هر دو مورد اجرای هدف به ناتو واگذار شد و نتیجه امروز به اندازه خورشید روشن است.

همین مسئله به دادستان قدرت احتمال سوء استفاده را به نفع دیوان کیفری بین المللی می دهد زیرا بودجه این دیوان از سوی کشور های عضو که احيانا ممکن است عضو شورای امنیت هم باشند تامین می شود. !

منابع اطلاع رسانی

براساس ماده ۱۵ اساسنامه رم و ماده ۱۰۴ آیین دادرسی سازمان ها و منابع مختلف می توانند اطلاع رسانی بکنند تا دیوان در خصوص نقض حقوق بشر منبع خوبی در اختیار داشته باشد. ولی اغلب شکایت ها جنبه سیاسی و یا شخصی پیدا کرده است و آن زمان که در قالب سیاسی مورد بررسی قرار میگیرد دیگر نظریه های شخصی و گفتگو های رادیو و تلویزیون دررای نهایی دیوان تاثیر ندارد و نظر کلی صدرنشینان شورای امنیت و تعیین کنندگان نظم جهانی برنظرهای شخصی و «سرود های مندرج در بیانیه ها!!» و دیگر منابع چربیده و مثل مورد قذافی پیش از رسیدن به دادگاه کشور هدف توپ و بمباران های هوایی قرار می گیرد.

پرونده جمهوری آفریقای مرکزی در ژانویه ۲۰۰۵ که به جنایت ارتكابی در محدوده سرزمین جمهوری آفریقای مرکزی قرار داشت در صلاحیت دادگاه های سرزمین آفریقای مرکزی بود که به دیوان کیفری بین المللی ارجاع شده بود. با وجود حضور ماده مربوط به رسیدگی صلاحیت دیوان در رسیدگی به اتهام معهذاً بجای اینکه آنرا به دادگاه های ملی در خصوص قضیه ارجاع دهد به بررسی موضوع ادامه داده و سپس تصمیم به تعیین تکلیف گرفته است که با مفاد قانونی و حقوقی منطبق نمی باشد. کسانی که می خواهند با بحث و خطابه و استدلال های کتبی که هرگز از سوی دادستان و یا عوامل دیوان دیده نمی شود جلوی عملی را بگیرند سخت در اشتباه هستند و این خود نمونه ای از خودسری و خودرایی دیوان در ارائه طریق به گردانندگان به اصطلاح «نظم جهانی» را نشان می دهد.

درخواست شورای امنیت:

بنا به درخواست شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند تحقیق آغاز شود و اختیارات براساس فصل هفتم منشور ملل متحد وضعیت هایی که متضمن جرایم بسیار جدی و ارتكاب جرم که صلح و حقوق بشر را تهدید میکند به دیوان کیفری ارجاع گردد. اگر دادستان پس از ارجاع شورای امنیت به این نتیجه برسد که دلایل کافی وجود ندارد مکلف است شورای امنیت را از تصمیم خود با ذکر دلیل توجیهی آگاه کند.

از جمله موارد ارجاعی توسط شورای امنیت قضیه دارفور است که در سال ۲۰۰۵ بدنبال تصویب قطعنامه شماره ۱۵۹۳ به دادستان دیوان کیفری بین المللی ارجاع شد و چون بحران دارفور با تبلیغات و سروصدا های زیاد همراه بود و این قضیه از سال ۲۰۰۳ همچنان ادامه داشت، دو گروه شورشی ((دقت کنید حتی سازمان های بین المللی به آنها لقب شورشی داده اند - مورد لیبی هم همین بود)) (ارتش آزادیبخش سودان و جنبش عدالت و برابری) مسلح شده بودند به سفارش هایی که دریافت کرده بودند به تاسیسات دولتی حمله ور شدند و بسیاری از ساختار های بنیادین کشورشان را نابود کردند. چون تحقیق بر مبنای ارتكاب جنایت در دارفور قید شده بود ماهیت قضیه را «جنایت علیه بشریت» تشخیص داد و طبق سفارش های شورای امنیت و احیانا کشور های پر قدرت جهانی (!) قضیه به دیوان کیفری بین المللی ارجاع شد و دیوان بدون قید و شرط دستور دستگیری «احمد هارون» وزیر کشور وقت و «علی قشیب» فرمانده شبه نظامیان را صادر کرد. دیوان دستور بازداشت عمر البشیر رییس جمهور سودان را نیز صادر کرد. همه چیز غیرقانونی بود زیرا هنوز پس از شش سال تعریف جامعی از «جنایت علیه بشریت» تعریف حقوقی خود را بدست نیاورده است. !!

در حالیکه این مسئله در جریان بود عوامل سیا، در پوشش هنرپیشه مشهور هالیوود، (جورج کلونی George Clooney) با پرواز های بسیار مشکوک و فرود در مزارع و یا بیابان ها تسلیحات لازم به شورشیان را فراهم کردند. این هنرپیشه بارها خصوصی با آقای اوباما ملاقات داشته و وضعیت سودان را شرح داده است. نهایت این که سودان که در جنوب دارای منابع نفت بود بصورتی ناگوار تفکیک و تجزیه شد. برای آگاهی بیشتر از این جریان ها به فیلم **Darfur Now** که در سال ۲۰۰۷ ساخته شد، نگاه کنید. این فیلم نشان می دهد چطور شش نفر که در ظاهر برای جلوگیری از نسل کشی آمده اند در کنار و پنهانی با حمل اسلحه به کشتار کمک می کنند.

این موارد دلیل بر آن است که نقشه اصلی تجزیه سودان بوده است و دستیابی به منابع نفتی و همه شرایط دیگر و ارجاع به دیوان کیفری بین المللی و دیگر تبلیغات همه سرپوش های حقوقی بوده اند.

در حالیکه دادستان می بایست براساس ماده ۱۷ اساسنامه یادآور می شد مسئله شورشیان درون سودان ارتباطی با نسل کشی و دیگر موارد ندارد و نشان می داد تسلیحاتی که منجر به نسل کشی می شد چطور به دست شورشیان می رسید.

شبهه این روش در لیبی و با رساندن تسلیحات به شورشیان انجام شده است.

این سنت نادرست و غیرقانونی را می توانند در هرجای دیگری بکار بندند و ارجاع دهند به مورد مشابه.

در هیچ یک از موارد ارجاع شده به دیوان کیفری بین المللی، کمیته های حقیقت یاب و یا منابع بی طرف از کاری که انجام می شده است جلوگیری نکرده اند و همانند مورد درخواست محاکمه علی خامنه ای بسیاری که با جزییات سیاسی و روش های پنهان پشت پرده آشنا نیستند چشم بسته از مورد پشتیبانی کرده و در نتیجه یک مسئله حقوقی پیچیده برای کشورمان ایران را فراهم آورده اند که پاک کردن این صورت مسئله بسیار ناگوار و نا پسند هرگز میسر نخواهد بود.

شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه هایی علیه صلاحیت دیوان کیفری بین المللی تصویب کرد که از تعقیب و محاکمه عوامل نیرو های حافظ صلح متعلق به دولت های غیر عضو اساسنامه رم را که در عملیات حفظ صلح بوسنیا و هرترگوین شرکت کرده بودند بمدت یکسال جلوگیری کرد. و براساس این قطعنامه ها شورا این قطعنامه هارا هر سال تمدید کرده است. این امر فقط برای حفاظت سربازان آمریکایی تدارک شده بود. ولی قطعنامه طوری تنظیم شد که دیگر کشور های غیر عضو اساسنامه نیز شامل آن شدند تا جلوی دهان همه گرفته شده باشد. و این سرپوشی بود به جنایت علیه بشریتی که سربازان آمریکایی مرتکب شده بودند. سربازان و عوامل آمریکایی و هم پیمانان آمریکا در حمله به افغانستان و عراق هم همین جنایت هارا مرتکب شده اند ولی کسی قادر به شکایت نیست و گذشته از آن قطعنامه های مانع بزرگی است که اختیارش در دست صاحبان اصلی شورای امنیت است.

این نمونه هم نشان میدهد چطور دیوان کیفری بین المللی یک ابزار در دست حاکمان شورای امنیت برای بهره برداری های سلطه جویانه آنها تنظیم شده است.

کسانی که این نیرنگ هارا نادیده گرفته در دام گروهی نا آشنا به امور حقوقی و حقه بازی های سیاسی می افتند جز خریدن ننگ برای کشور و بی آبرویی برای خودشان با وجود هر نوع تفسیر و رنگ و آب تلویزیونی، گفتگو، یا صدور بیانیه بهره ای نمی برند.

مشخصات و ماهیت اساسنامه دیوان کیفری را در فایل پیوست که از تارنمای رسمی دیوان بین المللی برداشته شده نگاه کنید. متن فرانسه و اسپانیایی نیز در آنجا هست ولی متن پارسی در دسترس نبود.